

اصل پیشگیرانه در حقوق جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی: به دنبال رسیدن به درک مشترک

ایلونا چین*

مترجم: مهدی معلی

چکیده:

این نوشتار به طور خلاصه معنای اصل پیشگیرانه و نسبت آن با قوانین آزادسازی تجارت را در حقوق جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی بررسی می‌کند و سپس به تحلیل و مقایسه رویه قضایی دادگاه اروپایی و نهاد استیناف در مورد استفاده از اصل پیشگیرانه به وسیله سازمانهای جامعه اروپایی، دولت‌های عضو این جامعه و اعضای سازمان تجارت جهانی می‌پردازد. نویسنده با بررسی این موضوع که آیا ممکن است رویکرد تجاری مشترکی را در مورد اصل پیشگیرانه شناسایی کرد، به نتیجه گیری خواهد پرداخت.

کلید واژه ها: سازمان تجارت جهانی، جامعه اروپایی، اصل پیشگیرانه، رویه قضایی دادگاه اروپایی.

* Senior Lecturer, Newcastle Law School, England (e-mail Ilona.Cheyne@ncl.ac.uk).

مقدمه

هدف اصل پیشگیرانه، جلوگیری از آن است که عدم اطمینان و ابهام علمی در مورد تهدیدات بالقوه نسبت به محیط زیست، به عنوان ابزاری برای توجیه تمهیدات محدودکننده به کار برده شود. این امر یکی از معماهای بزرگ حقوق بین‌الملل نیز هست. برخی معتقدند این اصل، تعهدی را برای اقدام به محض تشخیص یک تهدید احتمالی، تحمیل می‌کند. اما دیگران معتقدند به هیچ وجه یک اصل حقوقی نیست بلکه تنها یکی از معیارهای تشخیص صلاحدید است که باید در کنار بسیاری از عناصر دیگر آن را مد نظر قرار داد (۱). به هر روی، تحلیل‌های فراوانی درباره مفهوم حقوقی اصل پیشگیرانه ارائه شده و در سطح وسیعی در اسناد بین‌المللی من جمله معاهده جامعه اروپایی نیز به کار رفته است (۲). حتی سازمان‌هایی که به روشنی اصل پیشگیرانه را به رسمیت نمی‌شناسند مانند سازمان تجارت جهانی آن را غیر قابل انکار یافته‌اند.

در نظر اول، به نظر می‌رسد جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی رویکردهای مختلفی نسبت به اصل پیشگیرانه داشته باشند اما در عمل نقاط مشترک محسوسی دارند. این مقاله درصدد است بررسی کند که چگونه به رغم نقاط شروع بسیار متفاوت در هر رژیم حقوقی این نقاط مشترک ایجاد شده‌اند و اینکه با توجه به ضرورت آزادسازی تجارت تا چه میزان و چه شکل خاصی از اصل پیشگیرانه مناسب است. جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی هر دو باید ثبات و قابلیت پیش‌بینی قانون و سیاست تجاری را تضمین کنند و در هر دو رژیم حل و فصل اختلافات در رسیدگی قضایی است. بنابراین برای درک اثرات اصل پیشگیرانه باید رویه قضایی جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی را مطالعه کنیم.

بخش اول این نوشتار، معنای اصل پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل و مقررات اصلی آزادسازی تجارت را در قوانین جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی به اختصار بررسی می‌کند. بخش دوم نیز بین رویه قضایی دادگاه اروپایی و سازمان‌ها و دولت‌های عضو جامعه اروپایی، و اعضای سازمان تجارت جهانی تحلیلی مقایسه‌ای خواهد داشت. در نتیجه گیری پایانی نیز این مسئله بررسی می‌شود که آیا ممکن است به یک رویکرد مشترک تجاری درباره اصل پیشگیرانه برسیم.

اصل پیشگیرانه و تجارت آزاد

معروف ترین مثال اصل پیشگیرانه در اصل ۱۵ اعلامیه ریو (Rio) گنجانده شده است که مقرر می‌دارد،

برای حفاظت از محیط زیست، دولت‌ها باید به طور وسیعی رویکرد پیشگیرانه را با توجه به توانایی‌هایشان به کار گیرند. جایی که تهدیدهایی مبنی بر احتمال ایراد خسارات غیرقابل جبران وجود دارند، عدم وجود اطمینان علمی نمی‌تواند، تعویق تمهیدات اقتصادی برای جلوگیری از تخریب محیط زیست را توجیه کند (۴).

اگرچه کاربردهای خاص اصل پیشگیرانه ممکن است هر کدام توضیح متفاوتی داشته باشند، اعلامیه ریو هسته مرکزی اصل پیشگیرانه را بیان می‌کند. این اعلامیه اقدام خاصی را پیش‌بینی نمی‌کند ولی هر گونه بهانه‌ای را برای قصور در انجام اقدام مقتضی رد می‌کند. حتی اگر اصل پیشگیرانه را نوعی از مقررات حقوقی بدانیم، بنابراین، کاربرد آن در هر شرایطی، نیاز به دقت در تمیز و تشخیص مورد دارد (۵).

از آنجا که تصمیم‌گیری درباره اساس اصل پیشگیرانه لاجرم سیاسی است، روشن کردن تمام جوانب آن در یک پرونده برای دادگاه‌ها مشکل است. برخی مشکلات از طبیعت اصل پیشگیرانه به عنوان یک قاعده کلی ناشی می‌شود. بدین معنا که یک اصل بر خلاف قوانین همواره نتیجه روشنی را بوسیله تحمیل حقوق و مقررات، برای دعوا تعیین نمی‌کند، بلکه به عنوان راهنمایی برای ایجاد، تبیین و اجرای هنجارها عمل می‌کند (۶).

سایر مشکلات از این حقیقت ناشی می‌شود که مبنای اصل پیشگیرانه عدم علم به واقعیت است، هنگامی که به مرور زمان عقلانیت و قابلیت پیش‌بینی نتایج کمتر قابل دستیابی است. این امر اعتبار ارزیابی علمی خطر را به چالش می‌کشد و تحلیل دقیق درآمد و سود را دچار ابهام می‌کند. اصل پیشگیرانه با کاستن از اهمیت دیدگاه‌های علمی و سایر دیدگاه‌های تخصصی و تأکید بر جنبه‌های مصلحت‌اندیشی تصمیم‌گیری، نقش درک عمومی و ریسک‌پذیری را در تعیین پی‌آمدهای سیاست‌گذاری‌ها، بزرگ می‌نماید. انعطاف‌پذیری ذاتی اصل پیشگیرانه، پیش‌بینی پی‌آمد اجرای آن در شرایط متفاوت و نیز تعیین مصادیق آن را مشکل می‌سازد (۷).

نقش اصل پیشگیرانه در عرصه حقوق تجارت از آن جهت جالب است که راه یافتن توازن را میان قوانین الزام آور تجارت آزاد و صلاحدید یک دولت برای دخالت در آنها یا عمل بر خلاف برخی از این قوانین، با هدف حفاظت از منافع زیست‌محیطی، روشن می‌سازد. از آنجا که حمایت از محیط زیست در موارد مذکور به کاهش حمایت از تولید منجر می‌شود، موارد استثنا باید شفاف باشد و از طریق رسیدگی قضایی درباره آن تصمیم گرفته شود (۸). اما این امر ممکن است به علت ضرورت سازگاری با شرایط متغییر، ارزش‌ها و دانش روز همیشه ممکن نباشد و این ضرورت‌ها در عمل منجر به چشم پوشی از برخی صلاحدیدهای احتیاطی نهادها و دولت‌های عضو جامعه اروپایی یا سازمان تجارت جهانی برای حمایت از محیط زیست خواهد بود. طبیعت مصلحت‌اندیشانه اصل پیشگیرانه آن را به اتهام مقابله با حمایت از تولید و اعمال محدودیت‌های غیرضروری و ناعادلانه بر تجارت آسیب‌پذیر می‌سازد. از سوی دیگر، مقررات آزادسازی تجارت حوزه وسیعی از سیاست‌های ملی و بین‌المللی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد که به طور مستقیم به تجارت مرتبط نیستند اما دولت‌ها و مردم کشورها اهمیت بالایی برای آن قائل هستند، مانند حمایت از محیط زیست. لذا مهم است که بین تمهیداتی با اهداف واقعی و مشروع و آنهایی که صرفاً هدف اقتصادی برای حمایت از تولیدات دارند، تمایز قائل شویم. و این مهم اغلب نیاز به دقت عمل بالا و تمرکز بر روی هر مورد دارد، و این وظیفه مشکلاتی را برای دادگاه‌ها جلوه‌گر می‌سازد، چرا که دادگاه‌ها به شدت به دنبال ایجاد موازنه مناسب بین دو گزینه ذیل هستند: تجدید نظر در درستی اقداماتی که بر مبنای صلاحدیدهای حمایت از محیط زیست انجام می‌شود و محدود کردن دخالت قضایی در آن اقدامات (۹).

قوانین آزادسازی تجارت که اصل پیشگیرانه بر ضد آن است اصولاً هدفی جز از میان برداشتن موانع رفع عوارض گمرکی ندارند، و به طور برجسته‌ای در هر دو رژیم مشابه‌اند (۱۰). ماده ۲۸ معاهده جامعه اروپایی اعمال محدودیت‌های کمی بر واردات و هر گونه تمهیداتی که نتیجه مشابه داشته باشد را ممنوع می‌سازد. این قانون به طور وسیعی توسط دادگاه‌ها به این صورت معنا شده است که شامل همه قوانین تجاری می‌شود که دولت‌های عضو تصویب می‌کنند و ممکن است به طور مستقیم یا غیر مستقیم، بالفعل یا بالقوه تجارت بین اعضا را تضعیف کند (۱۱). قانون یکسانی مبنی بر ممنوعیت تبعیض در موافقت‌نامه گات ۱۹۹۴ نیز وجود دارد. ماده یازده (XI) محدودیت‌های کمی بر واردات و

صادرات را ممنوع می‌کند. ماده یک (I) تبعیض بین کالاهای همسان از کشورهای صادر کننده را ممنوع کرده است (۱۲). ماده سه (III) کمی پیچیده‌تر است و تبعیض بین کالاهای همسان داخلی و وارداتی را ممنوع می‌کند. ماده 4:III که بیش از همه به بحث ما مربوط است، مقرر می‌دارد که نباید در مورد کالاهای وارداتی تمهیدات حمایتی ضعیف‌تری نسبت به کالاهای همسان تولید داخل هنگامی که در بازار داخلی عرضه می‌شوند، اعمال شود (۱۳). در هر دو نظام استثناءات کلی پیش بینی شده است، مانند تمهیدات ضروری برای حمایت از حیات و سلامت انسان، حیوان یا طبیعت. در مورد قانون جامعه اروپایی، دولت‌های عضو ممکن است برای توجیه چنین تمهیداتی به ماده ۳۰ استناد کنند. در مورد قانون سازمان تجارت جهانی نیز، اعضا ممکن است بر ماده ۲۰ موافقت‌نامه گات ۱۹۹۴ و در مواردی بر موافقت‌نامه بهداشت و سلامت (SPS) تکیه کنند (۱۴). به علاوه ماده ۲۰ (گات) تمهیدات مربوط به حفاظت از منابع تمام شدنی را استثنا کرده است. به هر حال، قوانین هر دو نهاد جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی هر گونه تمهیدات استثنا شده را تا حدی می‌پذیرد که منجر به آزادی مطلق یا تبعیض ناحق نشود (۱۵).

مشخص است قوانینی که با موانع رفع عوارض گمرکی مقابله می‌کنند معمولاً شفاف و فراگیر هستند اما عبارتهایی که استثناءات را بیان می‌کنند به آن اندازه دقیق نیستند. تعجب‌آور نیست که منازعات تجاری - زیست‌محیطی در نظام‌های سازمان تجارت جهانی و جامعه اروپایی یک عنصر مشترک به حساب می‌آید. در مورد سازمان تجارت جهانی، تنش بین قوانین تجاری و تمهیدات حفاظت از محیط زیست اولین بار بوسیله دو گزارش تونا دلفین (*Tuna Dolphin*) که از سوی هیأت کارشناسی تحت نظارت سیستم گات ۱۹۹۴ ارائه شده بود، مورد تأکید واقع شد (۱۶). به رغم آن که گزارش‌ها پذیرفته نشد و تأثیر رسمی نداشت، به طور عمومی منتشر شد تا با انتقادهای تند حامیان و تحلیل‌گران محیط زیست مواجه شود (۱۷). این زنگ هشدار برای حامیان محیط زیست بسیار دیرتر از آن به صدا در آمد که بتوانند نفوذ زیادی بر مذاکرات اروگوئه اعمال کنند و موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی نیز وزن کمی برای ارزش‌های زیست‌محیطی و یا مصلحت‌اندیشی‌های ورای آن که قبلاً در موافقت‌نامه گات ۱۹۴۷ وجود داشت، قائل است (۱۸). همچنین هیچ بیان صریح و روشنی از اصل پیشگیرانه وجود ندارد، اگر چه در

برخی مقررات منعکس شده است (۱۹). به عکس، نگرانی‌های مشابه در جامعه اروپایی درباره اجازه دادن به دولت‌های عضو برای حمایت از منافع اصلی خود منجر به رسیدگی قضایی بر مبنای حکم عقلی گذشته از استثناءات مطرح شده در ماده ۳۰ شد. بنا بر این نظریه، دولت‌های عضو می‌توانند محدودیت‌هایی را با هدف حمایت از منافع حیاتی خود وضع کنند، به شرطی که طور تبعیض‌آمیزی اجرا نشوند و هیچ معیار هماهنگ‌کننده اعضا نیز در این موارد وجود ندارد (۲۰). حمایت از محیط زیست با همین هدف به عنوان یک منفعت حیاتی به رسمیت شناخته شد (۲۱). سیاست‌گذاری زیست‌محیطی هم‌اکنون در ماده ۱۷۲-۱۷۶ معاهده گنجانده شده است و شامل ارجاع سریع به اصل پیشگیرانه در ماده (۲) ۱۷۴ می‌شود (۲۲). سیاست زیست‌محیطی جامعه اروپایی هم‌اکنون در سطح دیگران درجه‌بندی می‌شود، مانند سیاست تجاری مشترک (۲۳). به علاوه لوازم ضروری برای حمایت از محیط زیست باید در تعریف و اجرای سیاست‌ها و فعالیت‌های جامعه اروپایی مد نظر قرار گیرد (۲۴)، و این امر به دادگاه جامعه اروپایی فرصت و آزادی عمل لازم برای تجربه کاربردهای بالقوه اصل پیشگیرانه را داده است (۲۵)، درست برعکس رویه قضایی سازمان تجارت جهانی که در آن به نسبت، بسیار کم به تحلیل این اصل پرداخته شده است. تفاوت‌های آشکار دیگری نیز بین جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی وجود دارد.

اگرچه هر دو نهاد قصد دارند آزادسازی تجارت را ارتقاء دهند، روش‌هایشان اختلاف زیادی دارد. جامعه اروپایی تمهیدات سیاسی و اجتماعی بازتری را اختیار کرده است، که در آن آزادسازی تجارت یک عنصر مهم البته نه منحصر به فرد است (۲۶). جامعه اروپایی یک برنامه پیچیده و بلندپروازانه را برای هماهنگ‌سازی اعضا از طریق ساختار سازمانی و قدرتی که به وی تفویض شده، شروع کرده است. تفسیر اصلی و جامع از ماده ۲۸ که در پرونده داسونویل (*Dassonville*) اظهار شده، به طور قابل توجهی در رویه قضایی بعد از آن متعادل شده است که پرونده «*Cassis de Dijon*» اوج آن بود (۲۷). در مقابل، موافقت‌نامه گات در سازمان تجارت جهانی به عنوان یک سری قوانین ضد تبعیض به کار خود ادامه داده است (۲۸). به رغم ایجاد تشکیلات سازمانی توسط مذاکرات اروگوئه، سازمان تجارت جهانی فاقد قدرت کافی برای هماهنگ‌سازی اعضا از طریق قانونگذاری است، و فقدان پیوستگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی در بین

اعضای آن، فضای سیاسی لازم برای مذاکره درباره استانداردهای غیر تجاری را از این سازمان سلب کرده است. این ظرفیت سیاسی و سازمانی توسعه نیافته همچنین ممکن است بر نقشی که نهادهای آن، و به ویژه نهاد استینافی می‌توانند در سازمان تجارت جهانی ایفا کنند تأثیر بگذارد؛ در مقابل، دادگاه اروپایی از جنبه‌های سیاسی و حقوقی نفوذ قابل توجهی بین اعضای خود دارد (۲۹).

البته، این تفاوت‌ها به اندازه‌ای که به نظر می‌رسد، بزرگ نیست (۳۰). به رغم تمهیدات سیاسی باز و میزان بالای هماهنگ‌سازی، آزادسازی تجارت از اهداف اصلی جامعه اروپایی باقی می‌ماند. اولاً، هماهنگ‌سازی به اندازه‌ای که به نظر می‌رسد فراگیر نیست (۳۱). ثانیاً، آزادسازی تجارت از طریق اجرای قوانین یکسان خیلی از اوقات از اهداف هماهنگ‌سازی شمرده می‌شود (۳۲). و در نهایت، اگرچه به کارگیری اصل پیشگیرانه (در کنار سیاست‌های دیگری چون اتخاذ سطح بالایی از حفاظت زیست‌محیطی) یک انتخاب سیاسی بود، جهت اطمینان از عدم دخالت غیر ضروری آن در تجارت آزاد، استحکام، عدم تبعیض و اجرای قابل اعتراض این اصل مهم است. آزادسازی تجارت، در هر دو نظام به عنوان منفعت اساسی مشترک دولت‌های عضو مهم است. ارزش‌های دیگر مانند رویکرد پیشگیرانه به حفاظت از محیط زیست، ممکن است مشترک نباشد. ممکن است به رویکردهای پیشگیرانه با سوء ظن نظر شود زیرا این رویکردها در مواردی مانع هدف اصلی آزادسازی تجارت با حمایت پنهان از تولید می‌شود یا به علت اینکه مقررات یا معیارهای خارجی هزینه‌بر را تحمیل می‌کند (۳۳). به علاوه، عمل به قوانین گات از طریق موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی، بیشتر به علت معرفی یک نظام حل و فصل دعاوی قدرتمند، شباهت بین دو نهاد را به طور چشمگیری افزایش داده است (۳۴). همچنین شباهت‌هایی در قوانین ماهوی آزادسازی تجارت در جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی وجود دارد. رویه قضایی نهاد استیناف حساسیت فزاینده‌ای را نسبت به ارزش‌های غیر تجاری نشان می‌دهد (۳۵)، و دادگاه اروپایی نیز رویکرد دقیق‌تری نسبت به آزادی حمل و نقل و استقلال دولت‌های عضو برای نظم بخشیدن به امور اتخاذ کرده است (۳۶). حل و فصل دعاوی در هر دو نهاد برای ایجاد موازنه بین قوانین آزادسازی تجارت و حفاظت از محیط زیست حیاتی است (۳۷). به هر حال، در مورد جامعه اروپایی، با وجود سطح بالای سیاست‌های زیست‌محیطی و پیوستگی آن با

تمامی سیاست‌های دیگر، اصل پیشگیرانه هنگام بررسی دعاوی تجاری - زیست محیطی، برای دادگاه اروپایی از جایگاه اساسی برخوردار است. در مقابل، عدم اشاره صریح به اصل پیشگیرانه در قوانین سازمان تجارت جهانی به معنای آن است که اجرای آن به عبارات هر قانون وابسته است. بعد از روشن شدن این مطلب، می‌توانیم به مقایسه بین قوانین و رویه جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی بپردازیم تا وجود یا عدم وجود نگاه مشترک آنها به نقش و جایگاه اصل پیشگیرانه را دریابیم.

اجرای اصل پیشگیرانه در قانون جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی

قبلا اشاره شد که جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی رویکردهای متفاوتی به اصل پیشگیرانه دارند. در هر مورد، اجرا یا تجدید نظر در اجرای اصل پیشگیرانه مستلزم توجه به موارد ذیل است: معنای تهدید یا خسارت جدی یا غیر قابل جبران، حدود مصلحت‌اندیشی برای اقدام در شرایط عدم اطمینان علمی، و میزان ثمربخشی و تناسب (۳۸). در نهایت نیز باید به این نکته توجه شود که میزان قابلیت بهره‌مندی از اصل پیشگیرانه به عنوان یک معیار مستقل برای تفسیر قوانین موجود چیست.

تهدید جدی و عدم اطمینان علمی

واضح است که آستانه خطری که برای اعمال اصل پیشگیرانه باید موجود باشد، کمتر از حدی است که به اطمینان علمی برسد، و همین‌طور از سطح مورد نیاز برای اعمال اصل جلوگیری از خسارت کمتر است (۳۹). اگرچه وجود ملموس یک تهدید و وجود بالقوه تهدید به خسارت محتمل غیرقابل جبران و جدی کاملا متفاوت هستند، اما اثر متقابل بر هم دارند. بنابراین، دلایل مورد نیاز برای اثبات یک تهدید جدی به میزانی که پیامدهای احتمالی افزایش می‌یابد، کاهش خواهد یافت (۴۰).

اولین پرونده جامعه اروپایی که در آن دادگاه اروپایی مستقیما و به تفصیل اصل پیشگیرانه را آزمود «Pfizer» بود (۴۱). در این پرونده، دعوای مطرح شده از سوی تولیدکنندگان آنتی‌بیوتیک‌های مورد استفاده در غذای حیوانات منجر به لغو مصوبه‌ای شد که استفاده از این آنتی‌بیوتیک‌ها را در غذای حیوانات ممنوع می‌کرد (۴۲). علت ممنوعیت مذکور توجه به این مسئله بود که استفاده از آنتی‌بیوتیک‌ها ممکن است با از

میان بردن ابزارهای درمانی مهم به تهدیدی برای سلامت انسان منجر شود. اما این مصوبه در زمان تصویب دارای سند علمی قطعی برای روشن کردن واقعیت امر و میزان جدیت خطر نبود و لذا بر اساس اصل پیشگیرانه تصمیم گیری شده بود (۴۳). دادگاه بدوی (CFI) آستانه خطر مورد نیاز برای رجوع به اصل پیشگیرانه را به عنوان حدی بیش از یک خطر فرضی صرف و بدون بررسی علمی توضیح داده است (۴۴). همچنین می‌توان معیار آن را خطر در حد صفر دانست به طوری که نتوان آن را به هیچ دلیل علمی مستند کرد (۴۵). اما ضرورتی ندارد تا هنگامی که واقعیت و جدیت خطر آشکار شود صبر کنیم (۴۶). در سازمان تجارت جهانی، سؤال از آستانه خطر که باید برای اجرای اصل پیشگیرانه اثبات شود، در پرونده هورمونز و جامعه اروپایی (*EC - Hormones*) توسط نهاد استیناف به طور کامل مورد بحث واقع شده است (۴۷). جامعه اروپایی واردات گوشت و محصولات گوشتی حاصل از حیواناتی را که از هورمون در تقویت رشد آنها استفاده شده است، ممنوع کرده بود. جامعه اروپایی در توجیه اقدام خود به ماده ۳،۳ موافقت‌نامه بهداشت و سلامت (SPS) استناد کرد که به اعضای سازمان تجارت جهانی اجازه می‌دهد تمهیداتی را در پیش گیرند که سطح حفاظتی بالاتری را نسبت به معیارهای جهانی داشته باشد (۴۸). نهاد استیناف در عبارات مشابهی در پرونده «Pfizer» اظهار داشت که حداقلی برای آستانه خطر تهدیدکننده ضروری است. دادگاه مذکور عبارت خطر قابل شناسایی را به کار برد، یعنی خطری که هرگز نتوان آن را به طور علمی رد کرد (۴۹).

هر دو دادگاه به شناسایی حداقل سطح تهدیدی پرداخته‌اند که برای اعمال اصل پیشگیرانه ضروری است. در هر دو پرونده اشاره شد که تهدید قابل شناسایی باید قبل از آنکه از اصل پیشگیرانه به عنوان توجیه یک اقدام استفاده کنیم، سنجیده شود. تولیدکنندگان آنتی‌بیوتیک استدلال کردند که جامعه اروپایی باید ثابت کند خطر استفاده از این دارو نه در حد واقعیت خارجی ولی دست کم محتمل باشد (۵۰). دادگاه خطر را صرفاً احتمال اثرات مضر بر سلامتی انسان دانست، اما پذیرفت در مواردی که خطر به طور کامل اثبات نمی‌شود، باید ارزیابی دقیقی از میزان احتمال وقوع اثرات مضر انجام شود (۵۱). بنابراین بیان دادگاه کمی مبهم است، اما به نظر نمی‌رسد در حال سنجش آستانه خطر باشد. نهاد استیناف نظر صریح‌تری ابراز کرده است. در پرونده هورمونز و جامعه اروپایی، نهاد استیناف تلاش هیأت منصفه را برای اثبات آستانه خطر رد کرد چرا

که باید قبل از آنکه به استناد ماده ۳,۳ ممنوعیتی اعمال شود برای تشخیص علمی آستانه خطر اقدام می‌شد.

به نظر نهاد استیناف، ماده ۳,۳ تنها مقرر می‌دارد که تمهیدات، به شرط ارزیابی علمی خطر اعمال می‌شود ولی این به معنای نیاز به اثبات سطحی قابل ارزیابی از خطر نیست (۵۲). دادگاه استفاده از مفهوم احتمال توسط هیأت منصفه را نپذیرفت زیرا ممکن بود بر آزمون سنجش شرایط دلالت داشته باشد (۵۳). تنها شرط این بود که خطر، تنها در حد نظری نباشد (۵۴). نسبتی که شرط مذکور در ماده بر آن دلالت دارد در واقع همان تمهیداتی است که بر مبنای ارزیابی خطر توجیه می‌شود (۵۵). این بیان، اظهارات دادگاه اروپایی را در پرونده «Pfizer» مبنی بر اینکه وجود تهدید مضر باید به اندازه کافی با اطلاعات علمی پشتیبانی شده باشد، توضیح می‌دهد (۵۶).

حدود مصلحت‌اندیشی و سهل‌انگاری

اصل پیشگیرانه به معنای آن است که عدم اطمینان علمی نسبت به خطرات محتمل، سهل‌انگاری در اقدام در برابر ضرر جدی بالقوه را توجیه نمی‌کند. اما به کارگیری این استنباط برای تجدید نظر در قوانین جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی، به اندازه‌ای ممکن است که نهادها و دولت‌های عضو جامعه اروپایی و اعضای سازمان تجارت جهانی وظیفه و حق اعمال تمهیدات پیشگیرانه را دارند. محدودیت‌ها برای مصلحت‌اندیشی دولت‌ها در اقدام پیشگیرانه حد و مرزهای رسیدگی قضایی را معین می‌کند و زاویه نگاه به موضوع از سیاسی به معیارهای قابل اجرای حقوقی تبدیل می‌شود. در اینجا چند جنبه مختلف باید در نظر گرفته شود، مانند میزان بررسی اسناد علمی برای صدور حکم در شرایط پیچیده، حدود مصلحت‌اندیشی برای صدور آن احکام، و ضروریات آیین دادرسی برای اعمال مصلحت‌اندیشی.

بررسی قضایی در شرایط پیچیده

در پرونده «Pfizer» دادگاه اروپایی نهادهای جامعه اروپایی را به انجام دو مرحله برای تشخیص چگونگی پاسخ به یک خطر موظف کرد. اول، آنکه نهادهای جامعه اروپایی سطح حفاظتی را که قابل قبول می‌دانند، تعیین کنند؛ و دوم، ارزیابی میزان خطر

بالقوه برای ایجاد پایه‌ای علمی که بتوان بر اساس آن اقدام کرد (۵۷). مرحله اول تنها یک بررسی علمی را شامل نمی‌شود بلکه در آن به جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و مانند آن توجه می‌شود (۵۸). به بیان دیگر، این یک تصمیم چند جانبه سیاسی است که باید با توجه به شرایط مختلف گرفته شود. در مواردی که نهادهای جامعه اروپایی با توجه به اهداف و روش‌های خود، به طور گسترده‌ای به اعمال صلاحیده‌های خود می‌پردازند، دادگاه باید بررسی کند که آیا یک خطای آشکار یا سوءاستفاده از قدرت در کار بوده و یا نهادهای جامعه اروپایی از حدود مجاز برای عمل بر مبنای مصلحت‌اندیشی فراتر رفته‌اند یا خیر (۵۹).

بنابراین نهادهای جامعه اروپایی حق اقدام بر مبنای صلاحدید خود را با نظر به معیارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارند، مانند حفاظت از سلامت عمومی (۶۰). این شیوه اقدام بر مبنای صلاحدید، حتی ممکن است اجرای اصل پیشگیرانه را نیز دست کم در زمینه کشاورزی محدود کند (۶۱). به علاوه دادگاه اروپایی به نهادهای جامعه اروپایی برای تکیه بر رأی اقلیت در کمیته‌های علمی تشخیص میزان خطر، آزادی عمل داده است (۶۲). اگر چه نهادهای جامعه اروپایی برای تشخیص میزان خطر، ملزم به ارزیابی واقعیت‌های علمی و تکنیکی هستند، دادگاه ممکن است با رعایت معیارهای دادرسی تشخیص متفاوتی را اعمال کند (۶۳). به رغم اینکه به نهادهای جامعه اروپایی اختیار زیادی برای عمل بر طبق صلاحدید خود داده شده است، دادگاه اروپایی محدودیت‌هایی کلی برای آنها تعیین کرده است. مثلاً این که در مورد حفظ سلامت عمومی اصل پیشگیرانه با تأکید بیشتری اجرا می‌شود (۶۴). سطح حفاظت از سلامت عمومی باید بالا باشد، اگرچه لازم نیست بالاترین سطح تکنیکی را داشته باشد (۶۵)، به بیان دقیق‌تر، حفظ سلامت عمومی مقدم بر منافع اقتصادی است (۶۶). این نکته حاصل ترکیبی از اصل پیشگیرانه، نیاز به یک سطح بالای حفاظتی و هماهنگ سازی این سطح حفاظتی با سیاست‌های دیگر است (۶۷). شرط دیگر اقدام پیشگیرانه این است که نباید بر اساس خطری در حد صفر انجام شود (۶۸). به طور کلی همه قبول دارند که نمی‌توان ثابت کرد هیچ گونه خطری در محصول یا فعالیتی وجود ندارد، و هنگامی که توجیه اقدام پیشگیرانه ممکن نیست، عدم انجام ارزیابی خطر منطقی است. البته بسیار مهم است که خطر در حد صفر را با شرایطی که در آن یک خطر شناسایی شده جدی وجود دارد و باید

از آن پیشگیری شود اشتباه نگیریم (۶۹). نهاد استیناف نیز معیار مشابهی را برای رسیدگی به اعمال صلاحدیدها در پاسخ به یک خطر به کار می‌برد و حق اعضا را برای انتخاب یک سطح مناسب حفاظتی به عنوان یک حق مسلم (۷۰) و انحصاری به رسمیت شناخته است (۷۱). بنابراین شیوه برخورد نهاد استیناف در شرایط پیچیده قابل مقایسه با نظرات حقوقی جامعه اروپایی است (۷۲)، با این تفاوت که نهاد استیناف در مقامی نیست که بتواند تقدم سلامت عمومی بر منافع اقتصادی را بر اعضایش تحمیل کند و اعضا در صورت تمایل می‌توانند برای چنین نتیجه‌گیری به مواد XX(b) یا ۳،۳ موافقت‌نامه بهداشت و سلامت (SPS) استناد کنند (۷۳). نهاد استیناف نیز مانند دادگاه اروپایی به اعضای سازمان تجارت جهانی اجازه داده است به رأی اقلیت در گروه ارزیابی میزان خطر تکیه کنند، به شرطی که مستند به منابع مورد قبول و علمی باشد. حق استناد به رأی اقلیت هنگامی که تهدیدی حتمی و محسوس نسبت به زندگی افراد و سلامت عمومی وجود داشته باشد، قوی‌تر است (۷۴).

نهاد استیناف نیز مانند دادگاه اروپایی امکان اتخاذ تمهیداتی را بر اساس خطر در حد صفر، رد کرده است. در پرونده استرالیا و سالمون (*Australia – Salmon*) نهاد استیناف خطر در حد صفر به عنوان منشأ اجرای اصل پیشگیرانه را رد کرده، اما بین ارزیابی میزان خطر و انتخاب خطر در حد صفر به عنوان سطح مناسب حفاظتی تمایز قابل شده است (۷۵). امری که با پذیرش حق اعضا برای انتخاب سطح حفاظتی خود به آن ملتزم شده است (۷۶).

ارزیابی میزان خطر

مرحله دوم که دادگاه اروپایی ضروری دانست این بود که قبل از تصمیم‌گیری در مورد لزوم اتخاذ تمهیدات خاص، برای تعیین اینکه جهت رسیدن به سطح منتخب حفاظتی چه اقداماتی نیاز است، میزان خطر ارزیابی شود (۷۷). این مرحله بخشی از مرحله اول را نیز شامل می‌شود، یعنی تشخیص آستانه خطر که به اعمال اصل پیشگیرانه منجر می‌شود، باید بر اساس مستندات علمی موجود باشد. در این مرحله هدف رسیدن به درک هرچه بیشتر در مورد خطر و آشکارسازی خسارتی است که به سلامت انسان وارد می‌سازد (۷۸). نهادهای جامعه اروپایی وظیفه دارند ارزیابی خود را تا حد ممکن کامل

انجام دهند و هر گونه تدابیر حفاظتی را با مستندات علمی همراه ساخته، از ابزارهای علمی بر اساس اصول برتری، شفافیت و جامعیت بهره ببرند (۷۹). به ویژه در مواردی که از نظر علمی نظریه پردازی زیادی در آن وجود داشته باشد (۸۰). در قوانین سازمان تجارت جهانی، ارزیابی میزان خطر در هنگام اتخاذ تمهیدات حفاظتی به استناد موافقت‌نامه بهداشت و سلامت (SPS) بیش از جاهای دیگر، شرطی ضروری دانسته شده است (۸۱). تمهیدات موافقت‌نامه بهداشت و سلامت باید ضروری، مبتنی بر اصول علمی و مستند به مدارک و شواهد علمی باشد (۸۲). ماده ۳،۱ این موافقت‌نامه از اعضا می‌خواهد تمهیدات خود را بر اساس معیارها و توصیه‌های بین‌المللی اتخاذ کنند، اما این امر الزام آور نیست (۸۳). ماده ۳،۳ موافقت‌نامه بهداشت و سلامت به اعضا برای اتخاذ تمهیداتی که سطح بالاتری از حفاظت را نسبت به معیارهای جهانی داشته باشد، اجازه می‌دهد، البته در صورتی که توجیه علمی برای آن وجود داشته باشد یا نیاز به سطح بالاتری از حفاظت از طریق ارزیابی میزان خطر ثابت شده باشد. در پرونده هورمونز و جامعه اروپایی، نهاد استیناف این ادعا را که اصل پیشگیرانه می‌تواند ما را از ارزیابی رسمی میزان خطر بی‌نیاز کند به شدت رد کرد (۸۴). در صورت فقدان یک ارزیابی مناسب از میزان خطر بر اساس واقعیت‌ها، نهاد استیناف نمی‌تواند به درستی در مورد چگونگی اجرای اصل پیشگیرانه با استناد به این ماده تصمیم‌گیری کند (۸۵). اگرچه ماده ۵،۲ مقرر می‌دارد که اعضای سازمان تجارت جهانی از تمامی ابزارهای علمی لازم استفاده کنند، نهاد استیناف اصرار داشت که روند ارزیابی میزان خطر باید به گونه‌ای اعمال شود که اقدامات آزمایشگاهی تنها بخشی از آن باشد (۸۶). نهاد استیناف پذیرفت که روند ارزیابی خطر باید با آزمایش و تحلیل‌های سیستماتیک، منظم و هدفمند همراه باشد، اما در عین حال این نظریه را رد کرد که ارزیابی خطر باید به مواردی محدود شود که قابل تحلیل کمی به وسیله روش‌های آزمایشگاهی باشد. به خصوص، ارزشیابی خطر باید بر مبنای جوامع انسانی همان گونه که در واقع هستند اعمال شود و در آن اثرات مضر بالقوه بر سلامت انسان در محیط واقعی که انسان‌ها در آن زندگی و کار می‌کنند و می‌میرند بررسی شود (۸۷). اگرچه در ماده XX(b) شرط شفافیت برای ارزیابی میزان خطر وجود ندارد، اما به طور مشابهی تفسیر شده است؛ استناد اعضا بر این قانون باید طوری باشد که قبل از اعلام ضروری بودن اتخاذ تمهیدات حفاظتی، ثابت شود خطر وجود دارد (۸۸).

آیا اقدام حفاظتی یک وظیفه است؟

این طور بیان شده است که ساختار اصل پیشگیرانه مستلزم لزوم اقدام حفاظتی نیست و حداکثر ممکن است به عنوان یک مشوق در این راستا عمل نماید. اما، شواهدی وجود دارد که دادگاه اروپایی اقدامات حفاظتی را یک تکلیف می‌داند دست کم تا جایی که به نهادهای جامعه اروپایی مربوط می‌شود. دادگاه اروپایی اغلب تصریح کرده است حفاظت از سلامت عمومی باید بر ملاحظات اقتصادی مقدم داشته شود (۸۹). این تصریح در پرونده آرتگودان (*Artogodan*) آشکارتر است. در این پرونده دادگاه اصل پیشگیرانه را این طور تفسیر کرد که سلامت عمومی بدون تردید باید بر منافع اقتصادی مقدم شود (۹۰). دادگاه اروپایی اصل پیشگیرانه را مستلزم اقدام مقامات صلاحیت‌دار برای جلوگیری از خطرات بالقوه بر سلامت و ایمنی عمومی و محیط زیست و مقدم داشتن این موارد بر منافع اقتصادی دانست (۹۱). حکم این دادگاه را نمی‌توان نتیجه یک قانون خاص در این زمینه دانست (۹۲)، زیرا دادگاه مذکور اصل پیشگیرانه را اصلی مستقل ارزیابی کرده است که در معاهده جامعه اروپایی ریشه دارد. رویکرد دادگاه ممکن است بوسیله برخی اصول دیگر معاهده نیز توضیح داده شود، مانند ضرورت اطمینان از سطح بالای سلامت جامعه، مشتری و محیط زیست، و لزوم هماهنگ‌سازی آن سطح بالا با تعاریف و کارکردهای اصول دیگر جامعه (۹۳). به بیان دیگر، این امکان وجود دارد که دادگاه در پرونده آرتگودان نظر به اصل پیشگیرانه نداشته است، ولی به استناد نتیجه مجموعه‌ای از این اصول حکم کرده است. در هر صورت، سه مشکل با این امر که دادگاه به استناد اصل پیشگیرانه اتخاذ تمهیدات حفاظتی را الزامی می‌داند وجود دارد. مشکل اول آن است که دادگاه اروپایی در جای دیگر بیان می‌دارد که اصل پیشگیرانه به معنای آن است که نهادهای جامعه اروپایی «می‌توانند» تمهیدات پیشگیرانه را اتخاذ کنند و اینکه اصل پیشگیرانه در اصل تناسب در قوانین جامعه اروپایی ریشه دارد (۹۴). هر دو بیان با اینکه اصل پیشگیرانه یک توصیه است سازگار هستند و به نهادهای جامعه اروپایی اختیار می‌دهند بر طبق صلاحدید خود اقدام کنند. مشکل دوم این است که دادگاه به کرات بر اختیار گسترده نهادهای جامعه اروپایی برای عمل بر طبق صلاحدید خود تأکید کرده است، به همان میزانی که بر محدود بودن تجدید نظر قضایی در آن تأکید کرده است. این

امر تفسیر قضایی از سلامت عمومی را محدود می‌سازد و از اثر کلمات الزام‌آور دادگاه می‌کاهد. و مشکل سوم اینکه مفهوم پیشگیری در عمل به راحتی به یک تعهد لازم‌الاجرای حقوقی تفسیر نمی‌شود.

همان طور که گفته شد نهاد استیناف در سازمان تجارت جهانی قدرتی برای الزام اعضا به حفظ سلامت انسان در برابر ملاحظات اقتصادی ندارد. تنها در صورتی می‌توانیم چنین قدرتی را تصور کنیم که اصل پیشگیرانه و تعهد برای حفاظت از سلامت عمومی به عنوان بخشی از قانون سازمان تجارت جهانی دیده شود. اگرچه در این شرایط نیز تصور اینکه نهاد استیناف اعضا را به اجرای اصل پیشگیرانه ملزم کند، از لحاظ سیاسی سخت است (۹۵).

تمهیدات مؤثر و رعایت تناسب

مصلحت‌اندیشی برای اتخاذ تصمیمات مهم به طور حتم نیاز به توجه به جوانب مختلفی دارد، که کارشناسی و تهیه مستندات علمی تنها بخشی از آن است. تصمیم‌گیری برای تحمل یک خطر یا پیشگیری از آن نیاز به محاسبه هزینه و منفعت دارد. نهادهای جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی قدرت لازم را برای ارزشیابی مستندات علمی در صورتی که از روی حسن نیت و با تحقیقات معتبر و کامل همراه باشد، در اختیار دارند (۹۶). به هر حال اتخاذ تمهیدات حفاظتی برای پاسخ به یک خطر شناسایی شده و رسیدن به سطح مورد نظر حفاظتی، بر حقوق دولت‌های عضو جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی و احتمالاً در حقوق اشخاص در جامعه اروپایی تأثیرگذار خواهد بود. بنابراین برای تصمیم‌گیری در این باره باید به مستندات علمی تکیه و تا حد ممکن تناسب هزینه و منفعت را برای کمترین تضییع حقوق افراد رعایت کرد (۹۷). در حکم دادگاه اروپایی آمده است که اقدامات نهادهای جامعه اروپایی در این رابطه باید ضروری، متناسب با هدف مورد نظر و با ایجاد کمترین محدودیت برای تجارت آزاد باشد (۹۸). این دادگاه تناسب را این گونه تعریف کرده است که نهادهای جامعه اروپایی نباید در دستیابی به اهداف مشروعی که توسط قانون تعیین شده است از حد ضرورت و تناسب تجاوز کنند. بعلاوه تمهیدات اتخاذ شده باید سبک‌ترین راه حل در میان چندین راه حل موجود باشد و پیامدهای زیان‌آور نباید با هدف مورد نظر نامتناسب باشد (۹۹). باید معلوم باشد که نه

تنها خطر واقعی (اگرچه همراه با عدم اطمینان) است بلکه پاسخ به آن دارای رابطه معقول با خطر است و تا حد ممکن راهی انتخاب شده است که کمترین دخالت را در ارزش‌ها و منافع دیگران مانده نقل و انتقال آزادانه کالا خواهد داشت. یک مورد از اعمال اصل پیشگیرانه که در بالا اشاره شد تقدم سلامت عمومی بر منافع اقتصادی است. و دیگری دیدگاه کمیسیون اروپایی در مورد نامناسب بودن پیگیری خطر در حد صفر به عنوان سطحی قابل حمایت در اکثر موارد است.

یک جنبه از تناسب، محاسبه هزینه و منفعت است. کمیسیون حقوق بشر اروپایی به صراحت نیاز به محاسبه هزینه و منفعت را هنگام تصمیم‌گیری بر اساس اصل پیشگیری بیان می‌کند (۱۰۰). اما محاسبه هزینه و منفعت در موارد فقدان اطمینان علمی مشکل است و عدم دسترسی به اطلاعات کافی قدرت ارزیابی صحیح هزینه و منفعت‌ها را تا حد زیادی از بین می‌برد. کمیسیون حقوق بشر در پاسخ به این مشکل از محاسبه هزینه و منفعت در راستای اعمال اصل پیشگیرانه حمایت می‌کند و راه حل را آن می‌داند که تا حد امکان پی‌آمدهای محتمل اقدام و یا عدم اقدام ارزیابی شود، اما مشخص است که این راه حل، صورت مسئله را مسلم انگاشته است. کمیسیون حقوق بشر اروپایی همچنین بر ضرورت توجه به ملاحظات غیر اقتصادی تأکید می‌کند که این امر موجب کاهش بیشتر اعتبار و قدرت معیار محاسبه هزینه و منفعت به عنوان یک ابزار تصمیم‌گیری می‌شود (۱۰۱). توجه به مقبولیت عمومی به عنوان یکی از ابزارهای ارزیابی نیز انعطاف‌پذیری روند سیاست‌گذاری را افزایش می‌دهد (۱۰۲). رویکرد کمیسیون حقوق بشر جامعه اروپایی این روند را به عملی کاملاً مصلحتی بدل می‌کند، لذا معیارهای دادگاه برای رسیدگی، به امور رویه‌ای محدود می‌شود (۱۰۳). دادگاه اروپایی نیز در تحلیل خود از محاسبه هزینه و منفعت در پرونده «Pfizer» بر سیاسی بودن طبیعت این روند تأکید دارد. دادگاه دیدگاه خود را تنها به این مسئله محدود کرد که اطمینان یابد هیچ خطای آشکاری وجود نداشته و تمهیدات پاسخگوی نیازها بوده است (۱۰۴). دادگاه سوئدندی بخش کشاورزی را یادآور شد و حفاظت از سلامت عمومی را مقدم بر ملاحظات اقتصادی دانست، از این رو بر حق نهادهای جامعه اروپایی در محاسبه هزینه و منفعت تأکید کرد (۱۰۵). ارزیابی اهمیت نسبی بین مصلحت‌ها و ارزش‌ها یک تکلیف مهم است، و

تحلیل‌های دادگاه بر ارتباط پیچیده بین رسیدگی قضایی و اعمال محدودیت قضایی در عرصه مصلحت‌اندیشی‌های گسترده سیاسی دلالت می‌کند (۱۰۶).

همین نکته در پرونده «Pfizer» هم وجود دارد که تمهیدات اتخاذ شده برای ابطال مجوز از محصولات آنها با هدف مورد نظر متناسب نبود. ممکن است تصور شود دادگاه اروپایی هر گونه معیار رسیدگی را غیر از روند حصول اطمینان از اینکه هیچ خطای آشکار یا نقض معیارهای شکلی وجود ندارد، انکار می‌کند. در حقیقت به نظر می‌رسد دادگاه عمل به معیارهای صحیح تصمیم‌گیری را مورد رسیدگی قرار داده است. دادگاه دوباره بر اهمیت حمایت از سلامت عمومی و ظرفیت این مهم برای تحت تأثیر قرار دادن ملاحظات اقتصادی تأکید می‌کند (۱۰۷). در مقابل، اشاره کرده است که حق تجارت آزاد مطلق نیست و جامعه اروپایی می‌تواند برای حفظ منافع عمومی در آن دخالت کند، در صورتی که این دخالت دارای تناسب لازم با هدف دخالت‌ها بوده، بر ماهیت حق مذکور اثر گذار نباشد (۱۰۸). دادگاه سپس به بررسی گزارش ارزیابی میزان خطر می‌پردازد؛ یعنی این که استفاده از آنتی‌بیوتیک کاملاً ضروری و تنها ابزار موجود برای دام پروری نیست، و جلوگیری از تجارت موقتی است (۱۰۹). با توجه به این موارد دادگاه نتیجه‌گیری می‌کند: این حقیقت که تمهیدات پیشگیرانه پی‌آمدهای اقتصادی جدی برای شرکت Pfizer داشته است، به معنای آن نیست که تمهیدات با اهداف نامتناسبند.

بنابراین دادگاه بر ضرورت وجود نهادهایی برای محاسبه هزینه و منفعت در شرایط فقدان اطمینان علمی به رغم مشکلات مذکور تأکید کرد. دادگاه همچنین با تصریح بر اینکه حفاظت از سلامت عمومی بر منافع اقتصادی مقدم است، صلاحیت خود را برای جلوگیری از فعالیت تجاری در شرایط پیچیده و دشوار تأیید کرده است. این رویکرد تنها در مورد اصل پیشگیرانه مجرا نیست، بلکه نتیجه هر گونه محاسبه منفعت و هزینه را به سمت اقدامات پیشگیرانه در جایی که احتمال وارد شدن خسارات جدی بر سلامت عمومی وجود دارد، متمایل می‌سازد (۱۱۰).

هیأت منصفه سازمان تجارت جهانی و نهاد استیناف نیز مانند دادگاه اروپایی، تناسب تمهیداتی را که اعضا برای رسیدن به سطح حفاظتی مورد نظرشان اعمال کرده‌اند می‌سنجد. اما هیچ آزمایش کلی برای سنجش تناسب، در موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی نوشته نشده است، اگرچه مورد تأکید قوانین سازمان تجارت جهانی است (۱۱۱).

حدود این آزمایش در عبارات برخی قوانین مربوطه معین شده است. بنابراین شرط مطرح شده در ماده XX(b) که اتخاذ هر گونه تمهیدات باید برای رسیدن به هدفش ضروری باشد، چنین تفسیر شده است که باید کمترین محدودیت ممکن را برای تجارت آزاد ایجاد کند (۱۱۲). نهاد استیناف در تفسیر معنای «ضرورت» رویکردی سنجشی اتخاذ کرده است، به بیان دیگر معنای ضرورت باید در ارزیابی تمهیدات مختلفی که ممکن است برای رسیدن به هدف تعیین شده اتخاذ شود و نیز در سنجش اهمیت منافع و ارزش‌هایی که در خطر هستند، بررسی شود (۱۱۳). در این بررسی، حفاظت از سلامت انسان در برابر خطرات تهدیدکننده زندگی بسیار مهم و حیاتی ارزیابی شده است (۱۱۴). این رویکرد بازتابی است از همین اصل در قوانین جامعه اروپایی که سلامت انسان بر منافع اقتصادی مقدم است.

اصل پیشگیرانه به عنوان ابزاری تفسیری

پرسش نهایی آن است که اصل پیشگیرانه تا چه اندازه می‌تواند به عنوان یک اصل مستقل در حقوق سازمان تجارت جهانی و جامعه اروپایی استفاده شود. تجربه دادگاه اروپایی در این زمینه گسترده است، اگرچه در برخی نقاط کاملاً شبیه نهاد استیناف عمل کرده است. به طور کلی اصل پیشگیرانه نمی‌تواند برای نسخ معنای صریحی از قوانین جامعه اروپایی استفاده شود (۱۱۵). اما دادگاه اروپایی اصل پیشگیرانه را به عنوان یک ابزار تفسیری جهت دوری از اثرات تعجب برانگیز استفاده کرده است. برای مثال در پرونده *«Les Laboratoires Servier v Commission»* (۱۱۶)، قانون مورد بحث تصریح داشت که مضرات یا فقدان اثرات درمانی مؤثر محصولات دارویی باید قبل از آنکه مجوز توزیع آن معلق یا باطل شود ثابت گردد. دادگاه بدوی اروپایی این قانون را با توجه به اصل پیشگیرانه این گونه تفسیر کرد که مقامات صلاحیت‌دار نسبت به تجدید نظر در مجوز دارویی که در امنیت، سلامت و سودمندی آن شک جدی وجود دارد ملزمند (۱۱۷). در پرونده *«Monsanto»* (۱۱۸) هدف قانون مربوطه حفاظت از سلامت انسان بود و مقرر می‌گردد یک آزمایش سنجش تناسب برای غذاهای جدیدی که به بازار معرفی می‌شود انجام شود (۱۱۹). دادگاه اروپایی شرط دیگری را نیز بر اساس اصل پیشگیرانه تعیین کرده است، یعنی در جایی که خطر بالقوه نسبت به سلامت انسان در برابر خوراکی جدید

وجود داشته باشد انجام آزمایش سنجش تناسب موردی ندارد (۱۲۰). در پرونده «Waddenzee» (۱۲۱)، ماده (۳) مقررات اسکان (۱۲۲) مقرر می‌داشت، مقامات عمومی از اعطای مجوز به طرح‌ها و پروژه‌هایی که ممکن است بر محیط زیست اثر منفی بگذارد، خودداری کنند تا هنگامی که خلاف آن را ثابت کند. دادگاه با استفاده از اصل پیشگیرانه این ماده را این گونه معنا کرد که مقامات عمومی باید اطمینان حاصل کنند یا متقاعد شوند که هیچ اثر منفی روی نخواهد داد (۱۲۳). اعطای مجوز در جایی که در مورد اثرات منفی شک و تردیدی وجود دارد نباید انجام گیرد (۱۲۴). تنها در جایی اعطای مجوز ممکن است که هیچ تردید علمی منطقی در مورد عدم وجود چنین اثراتی بر محیط زیست وجود ندارد (۱۲۵).

در نهایت تفسیر مقررات دفع زباله (۱۲۶)، مثال‌هایی درباره چگونگی تعریف زباله که تحت تأثیر استفاده از اصل پیشگیرانه است ارائه می‌دهد. این مقررات برای تعریف زباله می‌گوید، هر چه در لیست موادی قرار دارد که باید منعدم یا بازیافت شوند [که در ماده I موافقت‌نامه Annex (۱۲۷) آمده] و دور انداخته شده است. اما این موجب مشکلات متعددی شده زیرا معنای دور انداختن در مقررات مذکور بیان نشده است (۱۲۸). در پرونده «VandeWalle» (۱۲۹)، مشکل نشت پترولیوم به زمین بود. دادگاه این گونه حکم کرد که معنای کلمه دورانداختن نمی‌تواند به طور مضیق تفسیر شود زیرا قانون مورد بحث می‌خواهد از محیط زیست با عنایت به اصل پیشگیرانه حفاظت کند (۱۳۰)، دادگاه معتقد بود دورانداختن می‌تواند شامل نشت اتفاقی مانند نشت هیدروکربن و مشمول معنای زباله قرار داشته باشد (۱۳۱). این تفسیر از معنای عادی دورانداختن قابل استخراج نیست، بلکه با رجوع به اهداف مقررات حمایت از محیط زیست به ویژه برای اجرای اصل پیشگیرانه توجیه پذیر است. همچنین در پرونده «Lirussi and Bizarro» (۱۳۲)، نگهداری موقت زباله تحت تعریف مدیریت زباله آن طور که در قانون معنا شده است قرار نمی‌گرفت، و به روشنی از لیست اقدامات برای نابودی و بازیابی زباله که معنای زباله را مشخص می‌کند، مستثنا بود (۱۳۳). با این حال، دادگاه معتقد بود تعهدات مدیریت زباله تحت ماده ۴ قانون مذکور متمایل به اجرای اصول پیشگیری و جلوگیری است. بر اساس این اصول جامعه اروپایی و اعضای آن متعهد بودند از آلودگی و خسارت جلوگیری کنند یا آن را کاهش دهند و تا حد ممکن از ابتدا منابع آلودگی و

خسارت را با اتخاذ تمهیداتی مانند از میان بردن خطرات شناخته شده، از بین ببرند (۱۳۴). از آنجا که نگهداری موقت زباله نیز می‌تواند مضرات زیست‌محیطی جدی داشته باشد، باید طبق ماده ۴ برای تضمین اجرای اصل پیشگیرانه عمل شود (۱۳۵). بنابراین اثرات ذاتی اصل پیشگیرانه در قوانین جامعه اروپایی قابل توجه است. دادگاه اروپایی نه تنها از آن به عنوان مبنای رسیدگی به اقدامات نهادهای جامعه اروپایی، بلکه به عنوان شیوه‌ای برای تفسیر قانون در راستای استخراج شرایط و تعهدات موجود در ورای معانی ظاهری کلمات استفاده کرده است. این قابلیت اجرای اصل پیشگیرانه به عنوان راهنمایی برای تفسیر قانون، از مفاهیم سیاسی و حقوقی خاص جامعه اروپایی ناشی می‌شود.

در مورد سازمان تجارت جهانی، نهاد استیناف با توجه به سادگی نسبی ساختارهای حقوقی و سازمانی موجود در آن و تقسیم‌بندی‌های بزرگ‌تر سیاسی و حساسیت‌های اعضا که در یک سازمان بین‌المللی طبیعی است، فضای کمتری برای مانور دارد. ظرفیت زیادی برای اعضای هیأت منصفه یا نهاد استیناف جهت اجرای مستقل اصل پیشگیرانه به عنوان روش تفسیر موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی وجود ندارد. البته می‌تون گفت ماده XX و III:4 موافقت‌نامه گات، استناد به اصل پیشگیرانه را در هنگام تفسیر حقوق و تعهدات اعضا اجازه داده است. در پرونده «US - Shrimp» موضوع دعوا یکی از تمهیدات یک جانبه بود که واردات میگو را ممنوع می‌کرد مگر آنکه شکار آنها به روشی بوده باشد که نسل لاک پشت‌های در حال انقراض با خطری روبرو نشود (۱۳۶). این بیان محدودیت واردات به استناد ماده XI را نیز دربر می‌گیرد که با توجه به ماده XX(g) که استثنای آن را در مورد منابع طبیعی تمام‌شدنی اجازه می‌دهد، قابل مناقشه است. نهاد استیناف عبارت منابع طبیعی تمام‌شدنی را طوری تفسیر کرد که شامل گونه‌هایی که در خطر نبودند هم بشود، علی‌رغم تلاش‌هایی که در راستای محدود کردن آن به منابع تجدیدنپذیر یا منابع تجدید پذیر که در خطرند وجود داشت (۱۳۷). این به خودی خود می‌تواند به عنوان اجرای اصل پیشگیرانه تلقی شود، اما مهمتر آن است که حکم نهاد استیناف بر اساس تفسیر تکمیل‌کننده ماده XX شامل نگرانی‌های زیست‌محیطی معاصر و لزوم دخالت دولت‌ها بنا نهاده شده است (۱۳۸). به علاوه نهاد استیناف به این مسئله توجه کرد که آیا ممکن است اجرای تمهیدات حفاظتی باعث تبعیض‌های ناعادلانه در اعمال ماده XX شود. این دادگاه به دخالت دولت‌ها برای بیان نظر خود

درباره روش صحیح برخورد با مشکل حفظ گونه‌های مهاجر اشاره و تأکید کرده است که راه حل مناسب، انعقاد معاهدات چندجانبه است (۱۳۹). این استدلال‌ها ممکن است به استفاده از اصل پیشگیرانه در حقوق سازمان تجارت جهانی برای احقاق حقوق مسلم اعضا منجر شود.

راه دیگر اجرای اصل پیشگیرانه به عنوان یک قاعده ماهوی، استناد به ماده 4:III است که تبعیض بین کالاهای همسان داخلی و وارداتی را ممنوع می‌کند. یکی از معیارهای متعارف برای تشخیص همسان بودن دو کالا شباهت خصوصیات فیزیکی است. نهاد استیناف در پرونده «EC-Asbestos» یکی خصوصیات فیزیکی را خطرناک بودن برای سلامتی انسان بیان کرد. مستندات صریحی وجود داشت که بر خطرناک بودن پنبه نسوز برای سلامتی دلالت می‌کرد و تفاوت زیادی بین سطح خطرناک بودن در دو کالا وجود داشت. بنابراین پرونده مذکور منعکس اعمال اصل پیشگیرانه است. به هر حال، هیچ دلیل منطقی برای اینکه نتوانیم به همین صورت درباره رویکرد پیشگیرانه نسبت به خطر استدلال کنیم وجود ندارد. بنابراین ممکن است هیأت منصفه یا نهاد استیناف اعمال اصل پیشگیرانه را برای اثرگذاری بر حقوق و تعهدات اعضا در پیش بگیرند. همان طور که قوانین و عملکرد سازمان تجارت جهانی نیز در آغاز راهی قرار دارند که در آن رویکردی تفسیری به اصل پیشگیرانه در پیش بگیرند، امری که در قانون جامعه اروپایی بدیهی و آشکار است (۱۴۰).

مقایسه عملکرد جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی

در این مرحله، به ویژه با توجه به قلت نسبی تعداد پرونده‌های سازمان تجارت جهانی، تنها تحلیل‌های ابتدایی در مورد اجرای اصل پیشگیرانه در سازمان تجارت جهانی و مقایسه آن با جامعه اروپایی ممکن خواهد بود. مشکل مقایسه تجربه‌های مشترک این دو نهاد بین‌المللی در قبل هم اشاره شد (۱۴۱). چهارچوب‌های حقوقی و سازمانی این دو نهاد هدف مشترکی را با عنوان آزادسازی تجارت دنبال می‌کنند و مقررات کلیدی بسیار مشابه‌اند، اما از جنبه‌های دیگری تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارند. یک نمونه روشن، قدرت قانونگذاری و اجرا در نهادهای جامعه اروپایی در مقایسه با سازمان تجارت جهانی است. نمونه دیگر توجه زیاد به معیارهای غیرتجاری در نظم حقوقی جامعه اروپایی است.

به طور خاص، یک تفاوت اساسی این است که اصل پیشگیرانه در موافقت‌نامه جامعه اروپایی گنجانده شده است، در حالی که صرف نظر از اشارات مشابه و غیرمستقیم به اصل پیشگیرانه در موافقت‌نامه بهداشت و سلامت (SPS) ماده‌ای در موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی در این باره وجود ندارد. پی‌آمد این تفاوت غنای بیشتر رویه‌های حقوقی جامعه اروپایی در اعمال اصل پیشگیرانه است. از این پی‌آمد به عنوان یک ابزار تفسیری، چنین بر می‌آید که اصل پیشگیرانه در نظم حقوقی جامعه اروپایی به وسیله‌ای برای ایجاد چهارچوب مشخص و منظم در صدور احکام قضایی بدل شده است (۱۴۲). اما در سازمان تجارت جهانی، با دیده تردید و به عنوان یک هنجار غیرمسلّم به این اصل نگریسته می‌شود.

سؤال اینجاست که آیا بین عملکرد دو نهاد همگرایی‌ای وجود دارد، و اگر هست آیا بر نوعی اصل پیشگیرانه ویژه نظام‌های آزاد تجاری دلالت دارد. از رویه قضایی هر دو نهاد مشخص است که در عمل، همگرایی بالایی بین آن دو وجود دارد (۱۴۳). اگرچه هیچ رژیم حقوقی اصل پیشگیرانه را تعریف نمی‌کند، از نظر معنا و حدود این اصل در رویکرد دو نهاد به میزان قابل توجهی تطابق دیده می‌شود. هر دو نظام حقوقی در مورد آستانه خطر و لزوم استنادهای علمی قبل از اجرای اصل پیشگیرانه حدود مشابهی را مد نظر قرار می‌دهند. اصرار دادگاه اروپایی بر اینکه میزان خطر باید بیش از یک خطر فرضی باشد قبل از اجرای اصل پیشگیرانه تا حد زیادی مشابه اقدام نهاد استیناف در رد موارد عدم اطمینان علمی به عنوان منشا اعمال اصل پیشگیرانه است (۱۴۴). همچنین به نظر می‌رسد اولویت‌بندی معیارها در دو نهاد مشابه هستند. نظام حقوقی هر دو نهاد شامل استثنائاتی برای حفاظت از سلامتی انسان است. دادگاه اروپایی این اصل کلی را پذیرفته است که حفظ سلامت انسان بر منافع اقتصادی مقدم است و نهاد استیناف تا این حد صراحت نداشته، اما پذیرفته است که در هنگامی که تهدیدی برای سلامتی در میان باشد دولت‌ها می‌توانند محتاطانه‌تر عمل کنند. بنابراین اعضای سازمان تجارت جهانی در صورت کفایت مستندات علمی مبنی بر وجود تهدید نسبت به سلامتی انسان، می‌توانند به طور مشروع نسبت به اتخاذ تصمیمات محتاطانه اقدام کنند. نهاد استیناف همچنین اظهار داشته است که در موارد تهدید نسبت به سلامت و امنیت عمومی، توجیه اعمال تمهیدات پیشگیرانه بنا بر رأی اقلیت، به راحتی قابل پذیرش است. بعلاوه بررسی پرونده « EC-

Asbestos نشان‌دهنده نظر دادگاه اروپایی مبنی بر این است که ملاحظات صرفاً تجاری نباید غلبه یابد. همچنین این طور برداشت می‌شود که بخشی از روند بررسی خصوصیات کالاهای همسان، ارزیابی میزان خطر آنها برای سلامت عمومی است که باید به عنوان معیاری برای همسان دانستن دو کالا و در نتیجه اعمال معیارهای رقابت آزاد مدنظر باشد. بعلاوه نهاد استیناف ضمن در پیش گرفتن رویکرد ارزیابی سود و منفعت اشاره کرده است که اهمیت یک منفعت به ضرورت اعمال تمهیدات پیشگیرانه تحت ماده XX(b) بستگی دارد.

در هر دو نهاد دیدگاه‌های مشابهی در مورد نیاز به تهیه مستندات علمی برای اثبات خطر وجود دارد. دادگاه بدوی اروپایی معتقد است برای صدور حکم در شرایط عدم اطمینان باید دو مرحله طی شود. اول، انتخاب یک سطح مشخص حفاظتی برای تصمیم‌گیری که ممکن است در آن علاوه بر مستندات علمی به صلاح‌حیدها هم توجه شود. مرحله دوم، ارزیابی میزان خطر از طریق جمع‌آوری تمامی اطلاعات موجود است، هرچند اطلاعات کمی وجود داشته باشد. نهاد استیناف هم مراحل مشابهی را برای اجرای موافقت‌نامه بهداشت و سلامت (SPS) و ماده XX(b) هنگام صدور رأی مد نظر دارد. اما بیان این نهاد روند لازم برای صدور حکم را به سه مرحله تقسیم کرده است. اول، ارزیابی میزان ریسک، دوم، انتخاب سطح مناسب حفاظتی و سوم، انتخاب تمهیداتی متناسب است که منجر به نیل به سطح تعیین شده حفاظتی بشود (۱۴۵).

با توجه به اینکه انتخاب سطح حفاظتی مناسب معمولاً قبل از جمع‌آوری مستندات علمی کافی ممکن نیست، دیدگاه نهاد استیناف درباره روند رسیدگی منطقی‌تر از دیدگاه دیگر که در پرونده «Pfizer» بیان شده است، به نظر می‌رسد. در هر صورت هر دو نهاد بر اهمیت مسئله ارزیابی میزان خطر تأکید کرده‌اند (۱۴۶). در هر دو رژیم حقوقی با موضوع ارزشیابی مستندات علمی ضمن توجه به ملاحظات سیاسی اجتماعی و مانند آن، به عنوان مسئله‌ای مصلحت‌اندیشانه برای نهادهای سیاست‌گذاری برخورد شده است. در مواردی که باید ارزیابی‌های پیچیده‌ای انجام شود، دادگاه اروپایی بر معیارهایی برای رسیدگی اصرار کرده است و این معیارها تنها در جایی دخالت قضایی را توجیه می‌کند که یک خطای آشکار، سوء استفاده از قدرت یا تجاوز از حدود رخ داده باشد. نهاد استیناف پا را از این فراتر نهاده و انتخاب سطح حفاظتی را حق مسلم دولت‌های عضو

دانسته است. اما برای ارزشیابی مستندات علمی هر دو نظام حقوقی شرایطی دارند. یعنی باید رابطه و تناسب معقولی بین تمهیدات و ارزشیابی انجام شده از میزان ریسک وجود داشته باشد. دادگاه اروپایی در پرونده «Pfizer» و نهاد استیناف نیز در موارد «EC - Hormones» و «EC - Asbestos» برای اطمینان یافتن از اینکه ارزشیابی خطر صحیح انجام شده است و اینکه آیا رابطه منطقی بین این ارزشیابی و تمهیدات مورد نزاع وجود دارد، به بررسی مستندات مطرح شده پرداختند. دادگاه اروپایی و نهاد استیناف تلقی یکسانی درباره خطر در حد صفر از خود نشان داده‌اند. هر دو نهاد قبول کرده‌اند که تنها راه ارزشیابی میزان خطر از طریق روش‌های علمی است. در پرونده «Pfizer» دادگاه بدوی اروپایی پیشنهاد کرد که خطر در حد صفر نباید در نهادهای جامعه اروپایی منشاء تصمیم‌گیری قرار گیرد. اما به نظر می‌رسد این احتمال وجود دارد که نهادهای جامعه اروپایی به صلاحدید خود میزان خطر را صفر اعلام کنند (۱۴۷). این شیوه قبلاً هم به وسیله نهاد استیناف در پرونده «Australia - Salmon» و «EC - Asbestos» تصریح شده بود.

ممکن است در تحلیل معیارهای بررسی این گونه پرونده‌ها این سؤال از سوی نهادها و دولت‌های عضو جامعه اروپایی و اعضای سازمان تجارت جهانی مطرح شود که تا چه میزان عمل به صلاحدیدها مجاز است. هر دو نظام حقوقی در حد بالایی از جمع‌آوری مستندات علمی و اظهار نظریات مختلف و قابلیت پذیرش خطر به عنوان معیار تصمیم‌گیری حمایت می‌کنند. ممکن است به نظر برسد که سیاست‌های صریح جامعه اروپایی مانند تأکید بر سطح حمایتی بالای زیست محیطی، تقدم سلامت عمومی بر منافع اقتصادی و هماهنگ‌سازی قوانینی که به اصل پیشگیرانه مربوط می‌شود، به واگرایی عملکرد جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی از هم خواهد انجامید. اما اعضای سازمان تجارت جهانی می‌توانند کماکان همان معیارها را به کار گیرند. بنابراین در عمل به نتایج مشابهی خواهند رسید زیرا تصمیم‌گیری برای اعمال اصل پیشگیرانه تصمیمی در جهت دفاع از کشور است. به هر حال بعید است یک عضو سازمان تجارت جهانی به علت عدم اجرای اصل پیشگیرانه قابل مؤاخذه باشد.

مرحله آخر رسیدگی قضایی تصمیم‌گیری درباره انتخاب تمهیدات پیشگیرانه است. هر دو نهاد جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی در این مرحله بر ضرورت رعایت

شرط تناسب تصریح دارند. تناسب باید با توجه به سطح حفاظتی اتخاذ شده، اطلاعات به دست آمده در ارزیابی خطر و ارزشیابی آن سنجیده خواهد شد. این امر به روشنی از سوی دادگاه اروپایی در پرونده «Pfizer» و «Commission v Denmark» و توسط نهاد استیناف در «EC - Hormones» و «EC - Asbestos» تصریح شده است. بنابراین هر دو نهاد جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی اصل پیشگیرانه را به صورتی که در اعلامیه ریو (Rio Declaration) بیان و تا حد زیادی در رویه دولت‌ها اعمال شده است، دنبال می‌کنند.

حیطه‌ای که یافتن رویکرد مشترک در آن مشکل‌تر است، استفاده از اصل پیشگیرانه به عنوان روش تعیین قانون قابل اجراست. در پرونده‌های جامعه اروپایی اصل پیشگیرانه برای رسیدن به نتایج گسترده‌ای در تفسیر قوانین جامعه استفاده شده است. برای مثال، روند اعطای مجوز به کالاهای خوراکی جدید قابل تغییرند (۱۴۸)، یا تعریف زباله به میزانی گسترده‌تر از معنای تحت‌اللفظی قانون مربوطه انجام شده است (۱۴۹). در حقوق سازمان تجارت جهانی چنین رویکردی وجود ندارد، اما ممکن است تمایل ضعیف مشابهی در رویه نهاد استیناف دیده شود. هنگامی که به سؤال از تبعیض ناعادلانه در پرونده «US - Shrimp» توجه کنیم، به نظر می‌رسد به مقدمه موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی که در آن به توسعه پایدار اشاره شده، توجه داشته است. همچنین به اقدامات دولت‌ها خارج از موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی برای معنا کردن موافقت‌نامه گات به ویژه ماده XX نظر دارد. به همان اندازه که اصل پیشگیرانه بیشتر در رویه دولت‌ها اعمال می‌شود، نهاد استیناف می‌تواند از آن به عنوان یک ابزار تفسیری در پرونده‌های مربوطه استفاده کند.

نتیجه:

با توجه به بحث‌های بالا به نظر می‌رسد تفاوت ماهوی و کمی قابل توجهی بین رویکردهای جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی برای اجرای اصل پیشگیرانه وجود دارد. اما این تفاوت عملکرد آن طور که به نظر می‌رسد اهمیت ندارد. تجربه هر دو نهاد در اعمال اصل پیشگیرانه می‌گوید که این اصل نقش بزرگ‌تری نسبت به آنچه تصور می‌شود در تفسیر و اجرای قانون تجارتی دارد. این حقیقت که دادگاه اروپایی و نهاد استیناف

مجبور به درگیر شدن با مسئله اصل پیشگیرانه شده‌اند به نوعی هماهنگی در یافتن راه‌حل‌های دعاوی تجاری - زیست‌محیطی منجر شده است.

در این مرحله یافتن یک پاسخ کامل برای این سؤال که آیا یک نسخه مشخص از اصل پیشگیرانه ویژه نظام آزادسازی تجارت وجود دارد ممکن نیست، عمدتاً به علت فقدان رویه مرتبط با مسئله در نهاد استیناف. اما تجربه جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی آشکار می‌سازد که هسته اصلی اصل پیشگیرانه در صلاحیتهای نهادهای سیاست‌گذار قرار دارد که از آن در قانونگذاری و انجام ارزیابی‌های پیچیده با توجه به معیارهای سیاسی، اجتماعی و مانند آن استفاده می‌کنند. بعلاوه نتیجه بحث‌ها درباره مشروعیت تمهیدات پیشگیرانه با نیاز به اجرای اصل پیشگیرانه در شکل‌های مختلف آن مشخص می‌شود. قابل اعتراض بودن اجرای اصل پیشگیرانه در نظام آزادسازی تجارت نیز نه تنها به علت تمایل به اتخاذ راه‌حل‌های منفعت و هزینه برای حل مشکلات، بلکه به علت نیاز به کاستن از تأثیر تمهیدات محدود کننده تجارت مد نظر قرار می‌گیرد. استفاده بالقوه از اصل پیشگیرانه در حقوق جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی، نشان دهنده اثر متقابل آن با نیاز به دادن پاسخ مناسب به خطر است. این تنها درباره محاسبه این نیست که آیا اقدامی باید در پاسخ به یک خطر جدی ولی ناشناخته انجام شود یا خیر، بلکه همچنین درباره تعیین سطح حفاظتی در شرایط عدم اطمینان علمی است، البته در جایی که تمهیداتی برای رسیدن به آن سطح حفاظتی اتخاذ می‌شود، به خاطر ضرورت حفظ حقوق دیگران باید از طریق قضایی رسیدگی و آزمایش شود. نظام حقوقی جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی برای روبرو شدن با این جنبه از اصل پیشگیرانه و روش‌شناسی اعمال آن تلاش‌هایی را آغاز کرده‌اند. هدف اصلی آزادسازی تجارت که بین دو نظام حقوقی مشترک است، با پاسخ محتاطانه به خطرات غیرحتمی تعارض دارد. حقوق و رویه جامعه اروپایی و سازمان تجارت جهانی بهترین فرصت را برای درک معنای واقعی و تفسیر صحیح اصل پیشگیرانه فراهم می‌کند.

- برای دیدن منابع و ارجاعات، به متن انگلیسی مقاله مندرج در انتهای همین شماره، رجوع کنید.



پروفیسر شہباز گل شاہ علموں انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علموں انسانی

« راهنمای اشتراک »

- مبلغ اشتراک سالیانه مجله حقوقی عدالت آراء، ۳۰۰۰ (سه هزار) تومان (در صورت ارسال با پست عادی) و ۶۰۰۰ (شش هزار) تومان (با پست سفارشی) است. (ویژه متقاضیانی که تا ۱۳۸۵/۵/۳۱ فرم اشتراک را تکمیل و ارسال کرده باشند)
- متقاضیان می توانند حق اشتراک مجله را به حساب جاری ۱۹۸۵ نزد بانک ملی ایران، شعبه بلال حبشی (کد ۱۶۶)، به نام آقای دکتر علی یار ارشدی (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی) واریز و رسید آن، همراه با نمونه کامل شده از درخواست اشتراک مجله را به نشانی ذیل ارسال فرمایند:

اقدسیه - تقاطع خیابان شهید لنگری - مجتمع اقدسیه - طبقه اول - واحد دوم -
موسسه مطالعات حقوقی عدالت آراء - کدپستی ۷۵۶۵۳-۱۹۵۷۹

- تصویر رسید بانکی را تا پایان دوره اشتراک نزد خود نگه دارید.
- لطفاً عدم دریافت نشریه را از طریق تماس با شماره تلفن ۲۲۸۰۲۰۵۵، به دفتر مجله اطلاع دهید.

درخواست اشتراک مجله حقوقی عدالت آراء

- نام و نام خانوادگی / نام مؤسسه :
میزان تحصیلات :
شغل / فعالیت :
متقاضی اشتراک: نسخه / متقاضی تک شماره: ... نسخه از شماره (های) :
نشانی :
کدپستی :
صندوق پستی :
دورنگار :
تلفن :
نشانی الکترونیک:
تاریخ و امضاء :